



مرکز مدیریت حوزه های علمیه خراسان

مدرسه علمیه حضرت رقیه (سلام الله علیها)

شهرستان مشهد

تحقیق پایانی سطح دو(کارشناسی)

عنوان:

خودسازی در نهج البلاعه

استاد راهنمای:

سرکار خانم شهلا هوشیار

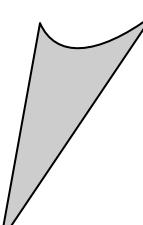
استاد داور:

جناب آقای حسن زاده

پژوهشگر:

زهره زارع زاده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ



تقدیم به

مولای متفیان، پیشوای شیعیان حضرت علی علیہ السلام

و بانوی با فضیلت و کرانتدر ایشان دخت نبی مکرم، حضرت زهرای اطهر علیهم السلام

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس معمودی را سخراست که کتاب خود را به حمد آغاز نمود و جان آدمی را به نور خود روشن و
مسیرهایت را برای انسان معین نموده است.

نهایت سپاس را از استاد ارجمند سرکار خانم ہوشیار که امرهایت این تحقیق را بر عده کر فتنه،

دارم.

از پدر و مادرم که در امیرتیریت من سالها تلاش کرده اند پاگذرم و با سپاس فراوان از همسر

گر اتقدرم که با صبر و حوصله و برداباری مراد نخارش این تحقیق یاری نمود و همچنین با تشکر فراوان

از مدیریت محترم سرکار خانم افشار و تامی کسانی که به نحوی در این تحقیق مرا راهنمایی و

ارشاد و مباری نمودند.

چکیده

عنوان پژوهش حاضر «جایگاه خودسازی در نهج البلاغه» است، از آن جایی که یکی از فلسفه‌های بعثت انبیاء رسیدن به مکارم اخلاقی و خودسازی است این مسئله ضرورت بحث را مبرهن می‌سازد.

حضرت علی علی‌الله‌خودسازی را مقدم بر دیگر سازی و خودشناسی را مقدمه ای برای خودسازی می‌دانند و کسی که مجموعه عیوب خود را بشناسد، می‌تواند راه را به نیکویی طی نماید و استعدادهای خود را در جهت رسیدن به کمال مطلق که هدف خودسازی است، شکوفا سازد. از دیدگاه امیرالمؤمنان علی علی‌الله‌خودسازی دارای مراحلی چون یقظه، توبه، زهد، مراقبه و محاسبه و تقوا می‌باشد.

انسانی که در خودسازی موفق است، آثار آن در فرد و به تبع آن در اجتماع اثر گذار است، از جمله آثار فردی می‌توان به رسیدن به مقام نفس مطمئنه و محبوبیت در نزد خدا، رهایی از شهوت و کسب بینایی و بصیرت و آمادگی برای مرگ اشاره نمود و آثار اجتماعی خودسازی شامل رهایی مردم از جهل و گمراهی و حفظ جامعه بشری از انحراف می‌باشد.

شناخت موانع خودسازی از دیگر مسائلی است که توجه به آن لازم است، بزرگترین مانع خودسازی غفلت است که شامل غفلت از خویش، غفلت از خدا و غفلت از یوم المعاد است، غفلت نیز عواملی دارد که از جمله آنها: غفلت از شیطان، نفس اماره، جهل و نادانی و دنیا و دنیاگرایی و... را می‌توان نام برد، و از پیامدهای این غفلت به زندگی سخت و تنگ دنیوی و قساوت و مرگ قلب و فاسد شدن اعمال می‌توان اشاره نمود.

منابع مورد استفاده در این پژوهش متون اسلامی و شروح نهج البلاغه می‌باشد.

حاصل سخن آنکه از دیدگاه نهج البلاغه انسان برای دستیابی به کمال مطلوب که قرب الى الله و رسیدن به فوز الهی است با عزم و اراده و تمسک به قرآن و ائمه معصومین به خودسازی

به مقام یقین است، در این مرحله برای او حاصل می شود در مرحله یقین انسان به وادی فنا الی الله می رسد. حضرت در فرازی می فرمایند:

﴿أَيْنَ الْمُوْقِنُونَ؟ الَّذِينَ خَلَعُوا سَرَابِيلَ الْهَوَى، وَ قَطَعُوا عَنْهُمْ عَلَائقَ الدُّنْيَا﴾^{۳۵} کجا هستند ارباب یقین؟

آنان که جامه‌های هواپرستی را از تن به در کرده و علاوه‌های دنیاپرستی را بریده‌اند»

۵: آثار فردی و اجتماعی خودسازی^{۳۶}

شخصی که خودسازی کرده این خودسازی در فرد آثار فردی و به تبع رفتار و عملکرد او آثار اجتماعی را به دنبال دارد که بعضی از آثار را از لسان حضرت بیان می نمائیم.

۱- آثار فردی خودسازی^{۳۷}

۱- محبوبترین بندۀ خدا می شود. ۲- هدایت به راه راست می شود. ۳- آمادگی برای مرگ و روز رستاخیز را دارد. ۴- تحمل شداید و سختی های اطاعت را دارد ۵- رهایی از شهوت و کسب بینایی و بصیرت ۶- رسیدن به برترین موهبت الهی(مقام یقین)

۲- آثار خودسازی بر اجتماع^{۳۸}

۱- رهایی مردم از ظلمات جهل و وهم و گمراهی ۲- حفظ جامعه بشری از تنش ها و لرزش ها و طوفان های انحراف ۳- در امان بودن مردم از آنان، افراد خود ساخته خیرشان به مردم می رسد و مردم از شر آنان در امانند.

۶: موانع خودسازی^{۳۹}

۱- غفلت

بزرگترین و مهمترین مانع خودسازی غفلت است، «غفلت» مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد؛ یعنی، شامل غفلت از خود و «غفلت» از خدا و «غفلت» از یوم المعاو و نایابداری دنیا و «غفلت» از

شیطان و وسوسه های او می شود و در یک بیان کلی، «غفلت» از تمام اموری که به نوعی با سعادت انسان ارتباط دارد.

می دانیم انسان همواره با دو دشمن بزرگ روبروست: دشمنی از درون به نام «نفس اماره» و دشمنی از برون به نام «شیطان» که اعمالی مشابه هم و مکمل یکدیگر، دارند. گرچه وجود این دشمنی درونی و بروني برای افراد با ایمان سبب هوشیاری بیشتر، آمادگی زیادتر و مبارزه قاطع تر با عوامل گناه است و در نتیجه موجب تکامل روح و جان و قرب الی الله خواهد شد، ولی به هر حال وجود چنین دشمنان خطرناکی، هوشیاری فراوانی می طلبد، به خصوص اینکه آنها هرگز با صراحة انسان را دعوت به گناه نمی کنند، زشتی ها را زیبا جلوه می دهند، گناهان بزرگ را کوچک و طاعات کوچک را بزرگ نشان می دهند و دام های رنگارنگ بر سر راه بشر می نهند و از تمام نقطه های ضعف انسان و راه های نفوذ، در درون جان او بهره می گیرند و زنجیرهای اسارت در چنگال شهوت و مال و مقام و آرزو های دور و دراز بر دست و پای او می نهند و به همین سبب، گاه یک لحظه غفلت، یک عمر بد بختی بدنبال می آورد.^۴

حضرت علی در مورد دام های شیطان و چگونگی غفلت انسان از خودسازی می فرمایند:

وَ وَعَدَ فَمَّاَيْ وَ زَيْنَ سَيِّئَاتِ الْجَرَائِيمِ وَ هَوَنَ مُؤْبَقَاتِ الْعَظَائِيمِ حَتَّىٰ إِذَا اسْتَدْرَجَ قَرِينَتَهُ وَ اسْتَغْلَقَ رَهِينَتَهُ

أَنْكَرَ مَا زَيْنَ وَ اسْتَعْظَمَ مَا هَوَنَ وَ حَذَرَ مَا أَمَّنَ؛^۱ و (او را) وعده داده (و به هوشهای بیجا) آرزو مند

می گرداند، و جرمهای بد را (در نظر او) آرایش می دهد و گناهان بزرگ هلاک کننده را آسان جلوه

می دهد، تا آنکه بتدریج پیرو خویش را فریب داده مانند رهن و گرو در قید و بند اطاعت خود در

آورد (چنانکه رهن و گرو به ازاء مالی است که تا داده نشود گرو مسترد نگردد، پیرو شیطان تا به

دستوراتش رفتار ننماید دست از او بر نمی دارد آنگاه) آنچه (از خواهشها) که زینت و آرایش داده

بود انکار می کند، و آنچه (گناهانی) که آسان وانموده بود بزرگ می شمرد، و از آنچه که (پیروان

خود را) ایمن کرده بود می ترساند.

در حقیقت این سه، دام مهم شیطان و سه طریق خطرناک نفوذ وی در انسان است.

۱- انسان را گرفتار آرزو های طولانی می کند و به این طریق راه خودسازی و اطاعت پروردگار

را به روی او می بندد.

۲- گناهان زشت و تنفرآمیز را، که انسان به فرمان وجودان از آن می‌گریزد، در نظر او زیبا جلوه می‌دهد، بی‌بند و باری را آزادی می‌داند و به این طریق ندای وجودان را در میان غوغای بی‌بند و باری و هوسرانی و شهوترانی خفه می‌کند و انسان را از خودسازی غافل و محروم می‌نماید.

۳- گناهان بزرگ را که به خاطر عظمتش انسان از آن می‌گریزد، در نظر او ساده و سبک جلوه می‌دهد.

شیطان به تدریج پیروان خود را فریب داده و وسوسه‌های شیطان معمولاً به صورت گام به گام است، تا در افراد کارگر بیفتند، غالباً ناگهانی و دفعی نیست تا افرادی که حتی کمی تقوا در وجودشان است، مقاومت به خرج دهنده در قرآن مجید آمده است:

«...وَلَا تَتَّبِعُوا حُطُّوتَ الشَّيْطَنِ...»^{۴۲} پیروی از گامهای شیطان نکنید.»

۱۰- عواقب غفلت^{۴۳}

کسی که غفلت تمام ابعاد وجودش را گرفته و توجهی به خودسازی ندارد این غفلت دارای عواقبی سخت و اسفبار است این عواقب عبارتند از:

- ۱- زندگی سخت دنیا، چون سخت در مسیر اطاعت و عبودیت شیطان است.
- ۲- کوردلی و کوری در آخرت، نتیجه اسارت و رد چنگال شیطان بودن در دنیاست.
- ۳- قساوت و مرگ قلب
- ۴- تسریع در هلاکت
- ۵- فاسد شدن اعمال
- ۶- خسران و زیانکاری
- ۷- غرور و خودبینی
- ۸- عدم وصول به قرب الهی

نتیجه

طبق فرموده قرآن و نهج البلاغه انسان در انجام اعمال خود و گزینش راه سعادت یا شقاوت مختار آفریده شده است. دو دشمن سرسخت انسان که شیطان و نفس اماره است دائماً در کمین

نفس های سرگشته و غافل هستند و آنها را به سوی پلیدی ها و مسیر انحراف دعوت می کنند، و

این انتخاب خود انسان است که مسیر شقاوت و در آمدن در جنود شیطان را می پذیرند، یا مسیر

سعادت را انتخاب می کند. پس برای انتخاب مسیر سعادت، تربیت نفس و خودسازی ضرورت دارد.

۲- خودسازی عبارت است از: آراستن نفس خویش به فضائل اخلاقی که این عمل علاوه بر

درک صفات و فضائل نیک، ترک رذائل و پاکیزه نمودن نفس و صفحه‌ی دل از پلیدی ها و

ناپاکی ها را می طلبد.

۳- انسان برای دستیابی به کمال مطلوب انسانیت که در نهج البلاغه زیاد به آن تاکید شده، و

آن قرب الی الله است باید زحمت سیر در این مسیر سخت و پر فراز و نشیب خودسازی را پذیرفته

و با عزم و اراده جدی و تمسک به فرمایشات قرآن و ائمه معصومین علیهم السلام و خاصه فرمایشات

حضرت علی علیهم السلام در نهج البلاغه طی طریق کند و مراحل خودسازی را با دفع موانع آن بپیماید.

پی نوشته ها

۱- علی اکبر، دهدخا، لغت نامه، ج ۶، ص ۸۸۲۳

۲- همان، ج ۴، ص ۵۸۶۹

۳- محمد، حسینی بهشتی، محمد جواد، باهنر، علی، گلزاره (غفوری)، شناخت اسلام، ص ۲۲۱.

۴- علی نقی، فیض الاسلام، نهج البلاغه، ۳۵۱ ق، ج ۱، ص ۱۲۵۴

۵- همان

۶- علی بن محمد، لیثی واسطی، عیون الحكم و الموعظ (لیثی)، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۱۴.

۷- علی نقی، فیض الاسلام، نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۷۵

۸- همان، ج ۱، ص ۵۷۷

۹- «ارتیک» از ماده «ربک» (بر وزن ربط) به معنای پریشان و درهم شدن کار است؛ به گونه‌ای که نجات برای انسان مشکل شود.

۱۰- علی نقی، فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶، ج ۱، ص ۴۹۴

۱۱- علی نقی، فیض الاسلام، ترجمه نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۹۶

۱۲- ناصر، مکارم شیرازی، بیام امام، ج ۶، ص ۱۷۳-۱۷۴ با تلخیص

۱۳- محمد، دشتی، امام علی و مباحث تربیتی، انتشارات امیرالمؤمنین، ص ۴۱

۱۴- محمد بن الحسن، موسوی شریف رضی، متن نهج البلاغه، عزیر الله عطاردی، بنیاد نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵

۱۵- همان، نامه ۴۵

-
- ۱۶- رضا، گلچی نائینی، ص ۳۹ با تلخیص
- ۱۷- همان، ص ۴۱
- ۱۸- ناصر، مکارم شیرازی، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه(خطبه متقین)، ج ۲، ص ۲۶۹
- ۱۹- همان، ص ۲۶۶
- ۲۰- عبدالجید، زهادت، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، چاپ چهارم، بوستان کتاب، ص ۲۰۱ با تلخیص
- ۲۱- سوره رعد(۱۳) آیه ۲۸
- ۲۲- ناصر، مکارم شیرازی، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه(خطبه متقین)، ج ۲، ص ۲۶۹ با تلخیص
- ۲۳- ناصر، مکارم شیرازی، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه(خطبه متقین)، ج ۲، صص ۲۷۲-۲۶۹ با تلخیص
- ۲۴- رضا، گلچی نائینی، ص ۳۹ با تلخیص
- ۲۵- همان
- ۲۶- محمد بن یعقوب، کلینی، کافی، طبع دارالحدیث، قم، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۷۳۶
- ۲۷- علی نقی، فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰
- ۲۸- رضا، گلچی نائینی، ص ۴۳ با تلخیص
- ۲۹- علی نقی، فیض الاسلام، ص ۴۹۷
- ۳۰- علی نقی، فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶
- ۳۱- سوره نور(۲۴) آیه ۲۴
- ۳۲- ناصر، مکارم شیرازی، مشکاه هدایت، ص ۱۱۰ با تلخیص
- ۳۳- ناصر، مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین، ج ۱۳، ص ۳۰
- ۳۴- رضا، گلچی نائینی، ص ۳۹ با تلخیص
- ۳۵- ر.ک: محمد بن مکرم، تمیمی آمدی، غررالحکم، ح ۳۹۱
- ۳۶- ناصر، مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین، ج ۳، ص ۵۴۷
- ۳۷- ناصر، مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین، ج ۳، صص ۵۴۲-۵۵۷
- ۳۸- همان، صص ۵۵۶-۵۵۲ با تلخیص
- ۳۹- همان، ص ۴۲۰ با تلخیص
- ۴۰- ناصر، مکارم شیرازی، پیام امام، ج ۳، صص ۴۲۰-۴۲۲
- ۴۱- علی نقی، فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۸۲
- ۴۲- سوره بقره(۲) آیه ۱۶۸ و ۲۰۸، سوره انعام(۶) آیه ۱۴۲ و سوره نور(۲۴) آیه ۲۱.
- ۴۳- ناصر، مکارم شیرازی، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه(خطبه متقین)، ج ۲، صص ۲۷۵-۲۷۶